



دانشگاه تهران  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه فلسفه

شرح درس:  
فلسفه تاریخ / برای رشته فلسفه

دوره کارشناسی ارشد  
۲ واحد: ۱۶ جلسه

سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

حسین مصباحیان  
(عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران)

[www.mesbahian.com](http://www.mesbahian.com)

[mesbahian@ut.ac.ir](mailto:mesbahian@ut.ac.ir)

## شرح درس:

پرسش از چیستی تاریخ بی‌شک پرسشی فلسفی است، اما از آن جا که تاریخ خود حداقل به دو معنا، حوادث و رویدادهای گذشته از یک سو و علمی که آن حوادث را گزارش می‌کند از سوی دیگر، به کار گرفته شده است، از دو نوع فلسفه تاریخ سخن گفته‌اند: فلسفه تاریخ کلاسیک یا نظری و فلسفه تاریخ انتقادی یا تحلیلی. موضوع فلسفه تاریخ کلاسیک تأمل در خود رویدادها، یافتن معنایی برای آنها، اندیشیدن در باب آغاز و انجام تاریخ، کشف قوانین تاریخ و سیر و مراحل تاریخ است. درحالی‌که موضوع فلسفه انتقادی تاریخ، چون و چرا در علمی است که تاریخ نام گرفته است و پرسش افکندن بر بنیادهایی است که تاریخ به مثابه‌ی یک معرفت علمی بر آن استوار شده است؛ به عبارت دیگر آنچه در مرکز توجه فیلسوفان نظری تاریخ و سیستم سازان بزرگی نظیر هگل و مارکس قرار گرفته است، عبارت‌اند از موتور محرکه یا عامل اصلی تحول تاریخ، سیر تاریخ، قانون یا قوانین تحول در تاریخ و علیت در تاریخ. ولی آنچه در کانون بنیادی‌ترین توجهات فیلسوفان و نظریه پردازان انتقادی تاریخ - از دیلتای بدین سو - قرار گرفته است، عبارت‌اند از تفاوت‌های بنیادین علوم انسانی با علوم انسانی و در اینجا تاریخ. آنچه در رویکرد انتقادی تاریخ مورد توجه است، عبارت‌اند از چیستی واقعیت تاریخی، مسئله‌ی گزینش داده‌های تاریخی، مسئله‌ی روایت تاریخی، ساختار روایت و رابطه علم تاریخ با علوم دیگر.

علاوه بر تقسیم بندی رایج و شناخته شده فلسفه تاریخ به دو شاخه نظری و انتقادی که خود بر اساس دو تلقی از معنای تاریخ شکل گرفته‌اند، از مواجهه سومی با دانش تاریخ نیز می‌توان سخن گفت و آن مواجهه‌ای است که فوکو با آن انجام می‌دهد و پس از او در مسیرهایی مانند تاریخ‌گرایی نو و رویکردهای میان رشته‌ای ادامه می‌یابد. با دیلتای اگر ما با تمایز علوم طبیعی و علوم انسانی سروکار می‌یابیم، با فوکو اصولاً علم بودن علوم انسانی از طریق مفاهیمی مانند اپیستمه و گفتمان و رویکردهایی مانند تبارشناسی به پرسش کشیده می‌شود و دانش تاریخ نیز با چالشی جدی مواجه می‌شود. بر مبنای چنین رویکردی، تمایز معناداری بین مورخ ریزبین و فیلسوف تاریخ کلی اندیش وجود ندارد؛ زیرا چیزهایی که آنان می‌نویسند، ربطی دقیق به واقعیت تاریخی ندارد؛ بنابراین تاریخ یک کنش تخیل‌ورزانه است. احتمالاً با اقتدا به فوکو است که هایدن وایت، در کتابی به نام متاتاریخ، ضمن رد این ادعای مورخان که آنان به نوشتن آنچه در گذشته رخ داده است، مشغول هستند، می‌نویسد که «تمام شرح‌های تاریخی ماهیتاً شاعرانه‌اند.»

بدین ترتیب شاید بتوان از سه معنای تاریخ و به تبع آن سه نوع نظرورزی درباره‌ی تاریخ سخن گفت: تأمل در رویدادهای شناخته شده و گزارش شده (فلسفه نظری تاریخ)، تأمل بر مفروضات دانش تاریخ و تفاوت‌های آن با علوم طبیعی - فیزیکی از یک سو و

با سایر شعب علوم انسانی از سوی دیگر (فلسفه انتقادی تاریخ) و در نهایت تأمل بر اساس ادعاهای دانش تاریخ و تردید افکندن بر مفروضات پایه‌ای این دانش (تاریخ در پرتو چالش‌های متفکران پست مدرن). این درس، بدین ترتیب، سه فراز یا سه مرحله‌ی مواجهه با تاریخ را در دستور کار خود قرار می‌دهد و تلاش می‌کند موضوعات اصلی و نیز نمایندگان برجسته هر یک از سه رویکرد به تاریخ را بر حسب اهمیت، به تفصیل یا به اختصار مورد بررسی قرار دهد. آنچه تعیین کننده اهمیت است، رشته‌ای است که این درس در آن تدریس می‌شود. در رشته فلسفه فراز اول است که اهمیت دارد و در رشته تاریخ فرازهای دوم و سوم.

گرچه فلسفه نظری و انتقادی تاریخ، چنانکه گفته شد از حیث موضوع و مبانی به کلی با هم تفاوت دارند ولی از آنجا که گاه مورخان، نویسندگان و فیلسوفان، هر دو رویکرد را هم‌زمان به کار گرفته‌اند، مشکل می‌توان از فیلسوف نظری محض و فیلسوف انتقادی محض در این زمینه سخن گفت. با این همه شمار زیادی از فیلسوفان و نویسندگان از قبیل یواخیم فیوره، جیامیا تیستا ویکو، کانت، کندرسه، هردر، فیخته، هگل، شلینگ، اشپنگلر، توبین بی، نیچه و یاسپرس را می‌توان در رده فیلسوفان نظری تاریخ به شمار آورد. گو اینکه بلافاصله باید افزود که اصطلاح فلسفه تاریخ نخستین بار توسط ولتر - فیلسوف فرانسوی در ۱۷۵۶ در کتابی با همین عنوان یعنی فلسفه تاریخ به کار گرفته شد. پس از او هردر آلمانی در ۱۷۸۴ در کتابی به نام اندیشه‌هایی در باب فلسفه تاریخ انسانیت و هگل در ۱۸۲۳ در نوشته‌ای با عنوان درس‌هایی درباره فلسفه تاریخ جهان این اصطلاح را به کار گرفتند و مضامین فلسفه تاریخ را گسترش دادند. به لحاظ موضوع، شاید بتوان کلیت در تاریخ، فراروی از امور جزئی و یا به تعبیری تلاش برای سیستم سازی را علاقه مشترک تمام فیلسوفان نظری تاریخ دانست. گرچه محتوای این نظام سازی‌ها با یکدیگر متفاوت است، ولی معمولاً یک امر کلی محور تمام نظریه پردازی‌ها قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود تا کلیه تحولات تاریخی بر اساس آن امر مفروض کلی توضیح داده شود.

تدریس درس فلسفه تاریخ برای رشته‌های فلسفه و تاریخ کاملاً با هم تفاوت دارند. در رشته فلسفه تأکید بر اندیشیدن به وقایع تاریخی است و در رشته تاریخ تأکید بر علمی است که آن وقایع را گزارش می‌کند. بدین ترتیب رشته فلسفه با فلسفه نظری تاریخ سروکار دارد و رشته تاریخ با فلسفه انتقادی تاریخ. موضوع این درس، بدین ترتیب، گرچه فلسفه نظری تاریخ است اما به کلی متفاوت با مباحث شناخته شده و رایج فلسفه نظری تاریخ است. این درس در حقیقت، از طریق ارجاع به اندیشه‌های کارل لویت، متفکر برجسته قرن بیستم و یکی از دو شاگرد اصلی هایدگر (به همراه گادامر)، با نقد مباحث و دیدگاه‌های فلسفه نظری تاریخ سروکار دارد. لویت معتقد است اصولاً رسیدن به فلسفه‌ای برای تاریخ امری غیر ممکن است. او در کتاب معنادر تاریخ به بررسی آرای بورکهارت، مارکس، هگل، پرودون، کنت، کندورسه، ویکو، بوسونه، یواخیم، آگوستینوس و اروسپیوس و دیگران می‌پردازد تا نشان دهد که آنچه ما به‌عنوان فلسفه تاریخ می‌شناسیم، همان الهیات تاریخ سکولاریزه شده است. از نظر

لوویت، اساساً فلسفه تاریخ یا ردیابی انسجام و تعاقب عقلانی در تاریخ امری ناممکن است. او در مقابل فلسفه تاریخ، الهیات تاریخ را طرح می‌کند که منحصرأً مبتنی بر پیش‌فرض‌های عقیدتی است. دیدگاه لوویت نه تنها برای حوزه فلسفه نظری تاریخ دارای اهمیت بنیادی است، بلکه علاوه بر آن برای فهم عصر مدرن و مدرنیته نیز بسیار مهم است. عصر مدرن، خودآگاهی تاریخی زمانه‌اش را در گسست از گذشته‌ی مسیحی فهمید. آنچه در این فرایند اهمیت یافت، خودآیینی انسان بود که به اشکال مختلف توسط فیلسوفان مدرن صورت‌بندی شد؛ اما در قرن بیستم، به دنبال بحران‌های تاریخی بی‌سابقه، داعیه‌ی خودآیینی انسان و نوآیینی عصر جدید به چالش کشیده شد و رابطه و نسبت آن با گذشته مسیحی بار دیگر و این بار از منظری متفاوت، مورد مطالعه قرار گرفت. پرسشگری درباره‌ی این که عصر جدید چه نسبتی با بنیان‌های مسیحی قرون‌وسطی دارد به دو شرح متفاوت انجامید. در شرح نخست که متفکرانی مانند کارل اشمیت، کارل لوویت و دیگران آن را نمایندگی می‌کردند، عصر جدید به مثابه تداوم عصر پیشین فهم شد و تمام مفروضات اساسی و خود بنیاد آن مورد پرسش قرار گرفت. در شرح دوم که متفکرانی مانند هانس بلومبرگ و لئو اشتراوس را باید از نظریه پردازان آن دانست، عصر جدید به مثابه عصری درک شد یکسر متفاوت یا عصر پیشین که پاسخ‌هایی جدید برای پرسش‌های کهن فراهم آورده است. این درس با تأکید انحصاری بر کتاب معنا در تاریخ لوویت تلاش می‌کند تا هم مباحث فلسفه نظری تاریخ را وارد قلمروهای تازه‌یاب کند و هم مقدماتی برای فهم عصر مدرن با دو کلید واژه گسست و تداوم فراهم آورد.

## اهداف درس:

۱. نخستین و مهم‌ترین هدف درس این است که امکانی برای هر یک از متفکران و روشنفکران موضوع این درس فراهم آورد تا خود بی‌واسطه از اندیشه خود سخن بگویند. از این رو قرائت ضابطه‌مند متون و منابع اصلی که گزیده‌ای از آن‌ها در طول‌ترم مورد بحث قرار خواهند گرفت، اصلی‌ترین هدف درس است. یکی از بهترین روش‌های فهم درست متون فرهنگی قرائت چندین باره متن، یادداشت برداری از لحظات کلیدی آن و پیگیری نکته اصلی آن در سرتاسر متن است. چنین قرائتی از متن، یعنی خواندن چندباره آن، خواندن جزء در پرتو کل و بازگشت به جزء پس از خواندن کل را «دور هرمنوتیکی» نامیده‌اند. یکی از اهداف این درس از این رو، آشنا ساختن دانشجویان با چنین قرائتی از متون است.

۲. درگیر شدن در بحث در داخل و خارج از کلاس: در فهم مطالب درسی مشابه این درس، بحث‌هایی تمام عیار و نیرومند ضروری است. تجربه تدریس اساتید معتبر دنیا نشان می‌دهد که یادگیری واقعی زمانی رخ می‌دهد که دانشجویان در مباحث کلاس مشارکت جدی داشته باشند. لازمه مشارکت در مباحث داخل کلاس و ادامه آن در خارج از وقت کلاس دو چیز است: نخست وجود حس تعلق دانشجو به کلاس، هم‌کلاسی و آموزگار و دوم عدم واگم از احتمال بروز واکنش منفی در پی اظهار نظر. از آنجا که سیاست این درس در مورد مشارکت در بحث بلندپروازانه است از تمامی دانشجویان انتظار می‌رود که اولاً

احترام به دیگری و سعه صدر را در دستور کار خود قرار دهند و ثانیاً نظر خود را بی کمترین پروایی اظهار دارند. بی تردید، مناظر جدید فکری تنها از طریق مباحث سالم و در عین حال جدی است که گشوده خواهد شد.

۳. نقد: گاه گفته می شود که دانشجویان باید در قرائت متون فرهنگی، هدف کمتر بلندپروازانه ای را انتخاب کنند و به فهم متون قناعت ورزند؛ اما حقیقت این است که فهم متون بدون قرائت انتقادی آن حاصل نمی شود. هدف قرائت انتقادی متون، آن گونه که این درس آن را پیگیری می کند، یکی سنجش گری و تحلیل حدود آن ها است و دیگری تعالی بخشیدن آن ها از طریق رسیدن به نکاتی تازه و نو آئین. اندیشه ها همواره مبهم و نیمه روشن اند. تنها نقادی است که هم آن ها را روشن می کند و هم آن ها را ارتقاء می بخشد.

۴. علاوه بر سه هدف کلی فوق که معلم این درس در همه درس ها آن ها را پیگیری خواهد کرد، برای این درس دو هدف مشخص تری هم تعیین شده است: نخست قرار دادن مباحث فلسفه نظری تاریخ در متن تحولات فلسفی قرن بیستم و به تبع آن در انداختن بحث پیرامون اعتبار یا عدم اعتبار مدعیات فلسفه نظری قرن نوزدهمی تاریخ؛ دوم، قرار دادن مباحث فلسفه تاریخ در متن کلی تری با موضوع فهم عصر مدرن با کلید واژه های «گسست» یا «تداوم» که به ترتیب با ارجاع به اندیشه های هانس بلومبرگ و کارل لوویت قابل پیگیری است.

## روش ارزیابی:

۱. مشارکت فعال در مباحث کلاس ۳ نمره
۲. نگارش یک مقاله مطابق استانداردهای معلم درس و ارائه پیش نویس آن در کلاس ۹ نمره
۳. آزمون مسئله محور پایان ترم ۸ نمره

## جلسات کلاس:

- جلسه اول: شرح درس (کلیات و مقدمات)
- جلسه دوم: لوویت در برابر بلومبرگ: تداوم در برابر گسست
- جلسه سوم: عناصر و مؤلفه های اصلی معنای تاریخ نزد لوویت: الهیات تاریخ در برابر فلسفه تاریخ
- جلسه چهارم: قرائت لوویت از بورکهارت: درکی متوازن و متعادل از تاریخ

جلسه پنجم: قرائت لوویت از مارکس: عناصر دینی فلسفه ماتریالیستی تاریخ  
جلسه ششم: قرائت لوویت از هگل: ترجمه الهیات به فلسفه  
جلسه هفتم: قرائت لوویت از هگل: ترجمه الهیات به فلسفه (ادامه)  
جلسه هشتم: پیشرفت در برابر مشیت: پرودون، کنت، کندورسه  
جلسه نهم: پیشرفت در برابر مشیت: پرودون، کنت، کندورسه (ادامه)  
جلسه دهم: ولتر و بنیان‌گذاری فلسفه تاریخ  
جلسه یازدهم: ویکو و گذار از الهیات تاریخ به فلسفه تاریخ  
جلسه دوازدهم: بوسوئه و یواخیم: تاریخ مقدس، تاریخ سکولار، عواقب تفکر فرجام‌شناسانه  
جلسه سیزدهم: آگوستینوس: شهر خدا و شخصیت تاریخ  
جلسه چهاردهم: اروسیوس و طرح تاریخ رستگاری  
جلسه پانزدهم: دیدگاه‌های انجیلی در باره تاریخ  
جلسه شانزدهم: جمع‌بندی‌ها و ملاحظات: معنا و فلسفه تاریخ/ فلسفه تاریخ دینی/ فلسفه تاریخ سکولار

#### منابع:

کارل لوویت. معنا در تاریخ. ترجمه سعید حاجی‌ناصری و زانیار ابراهیمی. انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۹۶.  
فرانتس یوزف‌وتس. درآمدی بر اندیشه‌ی هانس بلومبرگ. ترجمه‌ی امیر نصری، فریده فرنودفر. نشر چشمه. ۱۳۹۴.